

همشهری

حافظ
بنال بلیل اگر بامنت سر باری ست
که مادو عاشق زاریم و کار ما زاری ست

صفحه آخر

www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریبی، شماره ۱۴
کد پستی: ۰۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴
تلفن: ۰۲۲-۲۳۰۰۰۰۰ | شماره: ۰۲۲-۴۶۰۶۰۶۰

توزیع و اشتراک:
موسسه نشرنگستر امروزیون
تلفن: ۰۲۲-۹۱۲۰۴۲۲

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۰۲۸-۰۷۵۰۰۰۰

خانواده:
مدیر: محمدتک فلاح
مدیر: پروانه عسگری نیا
تدوین:
مدیر: سعید محمدی
مدیر: عاطفه مرزانی
سریخ:
مدیر: جواد عزیز
مدیر: محمدحجرفی
دانشگاه:
مدیر: ساسان شادمان
فرهنگ شهر:
مدیر: فرزانه شادزادی

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
مدیر: علی تریلی
شهرنگار:
مدیر: سیمین برادران
مدیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد:
مدیر: سروش خسروی
مدیر: میثم موسی پور
تماشگر:
مدیر: امیرمحمد یعقوب پور
مدیر: ساسان خرسند
ایران شهر:
مدیر: زهرا عباسی

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر: مسئول: محسن مهدیان
سرمدیر: دانیال معمار

دبیر تحریریه: مهدی علیپور
معاونان سردبیر:
شهرام فرهنگتی
شاهین امین، حامد فوقانی
مدیر فنی: حامد بزدانی
مدیر هنری: مهدی سلامی
دبیر عکس: فرشاد عباسی

۲۴ (سینما و تلویزیون):
مدیر: سعید مرونی
مدیر: علیرضا محمودی
سردبیر من:
مدیر: محمد باریکانی
مدیر: مهناز ادریان
همشهری جمعه:
مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: فریاد باقر پور
صفحه آخر:
مدیر: مسعود میر

طرح و گرافیک:
مدیر: محمدعلی حلیمی

گريونيج

آواز خوان سبزی ها



یک مزرعه در انگلیس که محصولاتش را مشخصا برای استفاده از صنعت پاستا استفاده می کند، به دنبال یک کارگر است که مهارت های خاصی، از جمله آواز خواندن برای سبزی ها و مراقبت از سبزی مینی ها داشته باشد. این مزرعه مدعی است که در تولید محصولاتش از تکنیک های خاصی استفاده می کند و فراهم کردن اوقات خوش برای محصولات، بخشی از آن است. مراقبت مهربانه از سبزی مینی و آواز خواندن برای سبزی ها هم بخشی از این کار است. کارگر خوش شانس که در این مزرعه استخدام می شود، کارهای اخلاقانه دیگری مثل لالایی خواندن برای درخت ها و مدیریت یک «میم» از کره های حاکی را هم به عهده خواهد داشت. وظیفه دیگر این کارگر آن است که مراقب باشد فقط بهترین کره ها در خاک مزرعه جوان بدهند تا خاک مرغوبیت زیادی داشته باشد.

پیتزای اضطراری



یک رستوران زنجیره ای بزرگ در آمریکا، طرحی را اجرا کرده که در آن، مشتری ها وقتی حسابی به پیتزای نیاز دارند، از این رستوران پیتزای اضطراری دریافت می کنند. ساز و کار این طرح ساده است: هر وقت که مشتری ها حسابی احساس کنند به پیتزای نیاز دارند، این رستوران یک پیتزای اضطراری می فرستد. نایب رئیس این رستوران زنجیره ای اینطور درباره طرح اضطراری گفته است: وقتی که غذای تان را سوزانده اید، وقتی که برق رفته و یا وقتی که پدر شوهر تان بدون اطلاع قبلی پشت در سبز شده اند، یا هر موقع اضطراری که دارید، ما معتقدیم که یک پیتزای رایگان می تواند شرایط را برای شما بهتر کند. برای استفاده از این سرویس البته مشتری ها باید عضو باشگاه مشتریان رستوران باشند و تعداد سفارش هم محدود است.

فریاد حمایت از فلسطین در غرب

هزاران نفر در روزهای اخیر، همزمان با اوج گیری درگیری ها بین حماس و رژیم صهیونیستی، از مردم فلسطین حمایت کرده و برای نشان دادن هواداری خود از آرمان فلسطین، به خیابان های شهرهای



هواداران فلسطین در تورنتو، در میدان فیلیپس برچم های فلسطین را به اهتزاز در آوردند و ضمن محکومیت خشونت ها، حمایت خود را از آرمان فلسطین اعلام کردند.



گروهی از مردم در استکهلم در میدان سر گلن تورگ با در دست گرفتن پرچم فلسطین تجمع و از آرمان فلسطین حمایت کردند.



هواداران فلسطین در لندن، در مقابل سفارت رژیم صهیونیستی تجمع کردند و علیه خشونت این رژیم شعار سردادند.



عکس ها، تازه یادآوری

اول آخر
عکس ها، تازه یادآوری

دغدغه

رکاب زدن برای تبدیل سوگ به امید

دوچرخه سواری برای «مامان بزرگ میویس» چیزی بیشتر از تفریح و ورزش است؛ در واقع او رکاب می زند تا بتواند به زندگی ادامه دهد. میویس پترسون ۸۵ ساله، بعد از آنکه ۲ دختر و یک پسرش را بین سال های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۶ از دست داد، انگیزه چندانی برای زندگی نداشت تا اینکه تصمیم گرفت این سوگ بزرگ را به یک چالش بزرگ برای تاب آوردن تبدیل کند و بهار همین امسال، سفر ۱۶۰۰ کیلومتری به دور اسکانلند را برای بزرگداشت نام و یاد فرزندان شروع کرد. او چنان مستاصل شده بود که عمل انگیزه های برای ادامه زندگی نداشت اما حالا ماجرا، به لطف دوچرخه سواری، فرق می کند؛ «گفتنش وحشتناک است اما اگر دوچرخه ام را نداشتم، نمی خواستم زنده بمانم.» او درباره مصیبتی که بر سرش وارد شده گفته است: «از دست دادن تمام خانواده واقعا باور نکردنی است. دخترم یک بار به من گفته بود که مامان تصور اینکه آدم یک پچه اش را از دست بدهد، نشدنی است. من هم در

پاسخ به او گفتم که من اصلا نمی توانم چنین چیزی را تصور کنم. اما بعد، تمام فرزندانم رفتند.»
در این شرایط است که دوچرخه سواری برای او آرامشی بی نظیر به همراه داشته است. او گفته است: «واقعا شرایط برای من سخت بوده اما توانسته ام از پیسش بر بیایم و مردم به من می گویند که چقدر قوی هستم. واقعا نمی دانم این قدرت از کجا می آید. آنها می پرسند، اما من جوابی ندارم. با شرایط می سازم، دوچرخه ام به من کمک می کند و دوستان بی نظیری دارم.» پترسون برای یک ماه، هر روز به دور اسکانلند دوچرخه سواری کرد و با شیب تند جاده ها و هوای سرسخت آن جنگید. او صبح زود بلند می شد و حدود ۷۰ کیلومتر رکاب می زد و به عنوان سفیر آگاهی بخشی درباره سرطان، برای یک مؤسسه کمک به بیماران سرطانی پول هم جمع می کرد.
پترسون البته یکبار به ورزش سنگین روی نیاورده و مدت ها دوندۀ ماراتن و نیمه ماراتن بوده و وقتی که زانویش دچار مشکل شد به دوچرخه سواری روی آورد. او



فرانکون

فراخوان

بی تعارف و تکلف مثل همین متن کوتاهی که می بینید، ما منتظریم تا نوشته هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طرحی هم هستید جانتان اینجا محفوظ است. متن با طرح نان که آماده شد یک تماس با شماره ۰۲۲-۲۲۶۲۴۲ بگیرد تا برای رساندنش به ما راهنمایی تان کنیم.

کتابخانه پاییز

لبخند ترافیک صبحگاهی



مادر شدن یکی از نخبای فاطمه اشرف
است. هر جادلم می خواهد در عادات خودم فرو بروم و در جواب پدیده های نوظهور بگویم: «نه ممنون، من اهلبش نیستم». یاد دخترم می افتم. او، با واسطه یا بی واسطه، نمی گذارد من از تازه های اطرافم عقب بمانم. و گرنه من آدم آدمس خرسی و آبنبات های قله ای و رنگارنگ بازار حور درم شاه عبدالعظیم هستم. لباس های استاندارد می که می توانم همیشه مد باشد و خانه هایی با طراحی داخلی مدرن، نهایتا می توانم در یک عکس آن هم برای ۲ ثانیه نظرم را جلب کند. برای همین تساقیل از تولد دخترم، کتاب صوتی برایم مفهومی نداشت. فکر می کردم کتاب یعنی رفتن تا کتابفروشی، چرخ زدن بین قفسه ها، صید یکی از هزاران خواندنی و برگشتن بیرون مندانه به خانه. کتاب یعنی حواست به نور زمان مطالعه باشد، حواست به تا خوردن جلد باشد و حواست به صفحه های خوانده و مانده باشد، اما دخترم که به دنیا آمد من و زمان تا مدت ها برای رسیدن به کارهای همیشگی ام به توافق نمی رسیدیم. یک روز تصمیم گرفتم برای نزدیک شدن به روئین های قبلی، شنیدن کتاب صوتی را امتحان کنم. این شد که نوبت استراحت بعد از ظهر دخترک و زمان اتوژدن لباس ها شده بود و شنیدن کتاب یا زمان جمع آوری اسباب بازی ها از گوشه گوشه خانه و شنیدن کتاب.

حالا بعد از ۶ سال که با کتاب صوتی در فاصله ای نسبی، یعنی نه خیلی بیگانه و نه خیلی رفیق بودم، باز این برنامه های دخترم است که من را به شنیدن کتاب نزدیک تر کرده است تا خواندنش. همان روز سوم مهر در راه برگشت از مدرسه با یک حساب سرانگشتی فهمیدم قرار است تا پایان سال تحصیلی روزی ۲ ساعت از زمانم را در تفریحی تهران باشم. برای همین به کتاب صوتی بازگشتم و طبق محاسباتم، فردا در مسیر بازگشت از مدرسه کتاب «بالاخره یه روزی قشنگ حرف می زنم» تمام می شود. حالا چند روز است وقتی صبح ها از تمام خیابان ها و کوچه های این شهر، ماشین و موتور در مسیر سبزی می شود، من دارم به ماجراهای دیوید سداریس می خندم و اصلا چند جایی به خاطر بی خیالی و خونسردی او بوده که پایم را روی ترمز گذاشته ام و به ماشین های خارج از نوبتی که در لاین مخالف، خلاف حرکت می کردند، راه داده ام. و به خاطر صداقت و طنز نوسنده بود که فصل «منحنی یادگیری» را آبار گوش دادم و اگر فکر می کنید خریدن نسخه چاپی، آن هم وقتی هنوز کتاب صوتی به نیمه نرسیده بود، به بحث چسبیده به دنیای قدیمی ام برمی گردد، باید بگویم نه، هر چند من هنوز آدم کتاب های چاپی هستم اما این بار من بی تقصیر بودم. من داشتم کتاب صوتی را گوش می دادم و داشتم و خواندن کتابی که هر روز می شنوی، و سوسه ای بود که سر نخش به پیمان خاکسار و ترجمه روانش و هوتن شکبیا و خوانش هنرمندانه اش می رسد.

کار خوب

جزیره شخصی من



نسب پیش از ما یا از زمان کودکی در بازار شاگردی کرده بودند و بعد در همان بازار حیره زده بودند، با کسب و کار پدرانشان را ادامه داده بودند یا نهایتا در اداره یا سازمانی کارمند شده و تا زمان بازنشستگی هم در همان اداره مانده بودند. آدم ها در گذشته بیشتر خانوادگی کار می کردند و پدر خانواده و پسرانش شغل سنتی اجدادشان را ادامه می دادند. حالا اوضاع کمی فرق کرده و نسل جدید دیگر کاری به کار شغل ابا و اجدادش ندارد و راه خودش را می رود. کسب و کارهای شخصی و کوچک این روزها حسابی رونق پیدا کرده و جوان ها عمده فعالیتشان در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی مربوط به کسب و کارشان است. کسب و کارهای کوچک علاوه بر مشاغل آنلاین شامل مشاغل خانگی، فروشگاه های خرده فروشی، رستوران ها و مشاغل خدماتی هم می شوند و برخلاف تصور، کسب و کارهای کوچک نقش مهمی در اقتصاد جامع ایفا می کنند. این نوع کسب و کارها مانع اشتغال برای افراد بسیاری هستند و می توانند به توسعه اقتصادی و ایجاد رشد رونق در جوامع کمک کنند. همچنین کسب و کارهای کوچک امکان خلق نوآوری و تنوع در بازار را فراهم می کنند و می توانند به تقویت رقابت و بهبود کیفیت خدمات و محصولات منجر شوند. به همین دلیل هم هست که امروز یعنی ۱۱ اکتبر را به نام روز جهانی کسب و کارهای شخصی نامگذاری کرده اند.